دو فصل‌نامه علمی تخصصی
مطالعات اجتماعی
سال هشتم، ش سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۶۵ ـ ۴۰

Studies Of Muslim Contemporary Thought
Year.۸, No.۱۳
Spring and Summer ۲۰۲۲
P ۴۰ ـ ۶۵

مطالعه تطبیقی گونه‌شناسی گروه اجتماعی در گزاره‌های اجتماعی قرآن و جامعه‌شناسی معاصر (مطالعه موردی، سه جزء اول قرآن کریم)

محمدیاسین بصیرت*

چکیده

این تحقیق، به مطالعه تطبیقی گونه شناسی گروه‌های اجتماعی، در گزاره‌های اجتماعی قرآن و جامعه‌شناسی معاصر، پرداخته است، موردمطالعه سه جزء اول قرآن کریم بوده است. سه نوع گروه (مؤمنین، کافرین و منافقین) در سه جزء اول قرآن کریم شناسایی‌شده است و با توجه به تعریف و ویژگی‌های گروه اجتماعی، در جامعه‌شناسی وجه اشتراک و جدایی شناسایی و تحلیل‌شده‌اند. روش تحقیق، کیفی- توصیفی با رویکرد مطالعه موردی اسنادی بوده است. بررسی نشان داد که باوجود جنبه‌های مشترک میان گزاره‌های قرآنی و جامعه‌شناسی معاصر، در ویژگی‌های گروه اجتماعی در جامعه، مانند اشتراک در رفتار و احساس همبستگی؛ جنبه‌های جداگانه نیز وجود دارد که جامعه‌شناسی معاصر، بر عوامل اجتماعی و ساختار مادی تأکید دارد، درحالی‌که جامعه‌شناسی قرآنی بر اعتقادات دینی اجتماعی و ساختار معنوی استوار است. شناسایی کننده گروه‌بندی افراد در جامعه‌شناسی معاصر، تجربی؛ براساس نژاد، جنسیت و جغرافیا و... است. شناسایی گروه‌بندی افراد در گزاره‌هایی اجتماعی قرآن، ایمان و عدم آن

---

* دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی/ جامعه المصطفی العالمیه/ مجتمع آموزش عالی علوم انسانی m.iasinbasirat@gmail.com

یا ضعف ایمان است، در جهت هدایت یا گمراهی افراد است که سرنوشت سعادت یا شقاوت آن‌ها را تعیین می‌نماید.

کلمات کلیدی: گونه شناسی گروه‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی معاصر، گزاره‌های اجتماعی قرآن.

مقدمه

ابعاد اجتماعی دین، همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها در جامعه را در برمی‌گیرد وزندگی اجتماعی به یکدیگر مرتبط‌اند. گروه‌بندی افراد در جامعه از اهمیت ویژه در زندگی اجتماعی برخورداراست نقش دین، در دسته‌بندی افراد جامعه ازآنجا روشن می‌شود که تحولات زندگی اجتماعی بشر را در نظر بگیریم. در هر مرحله زندگی انسان‌ها؛ دین، وجود داشته است و راهنمایان برای هدایت وجهت دهی آن‌ها به جهت تکامل ظهور کرده‌اند و متناسب با نوع تحول پیام ارائه کرده‌اند که آخرین این پیام‌ها و کامل‌ترینشان در قرآن کریم نازل‌شده است. سؤال اینجا است که کمال قرآن در پاسخ‌گویی ابعاد زندگی اجتماعی چگونه است؟ بخش بزرگ از زندگی انسان‌ها در گروه سپری می‌شود. گونه شناسی قرآن در گروه‌بندی افراد انسانی کدامند؟ معلوم است که زندگی اجتماعی انسان‌ها مبهم رها نشده است، شناخت گونه شناسی قرآنی گروه انسانی و تطبیق آن در زندگی اجتماعی این عصر، تبیین اجتماعی از آیات قرآن لازم دارد این تحقیق. در راستای تفسیر موضوعی علمی اجتماعی قرانی، انجام‌شده است.

بیان مسئله

انسان موجود اجتماعی است بخش عمده زندگی انسان‌ها در قالب گروه قرار می‌گیرند؛ اما این‌که در کدام گروه عضو شود که سعادتمندی و هدفمندی را به‌یقین تضمین کند، مسئله‌ای است که با چه ویژگی‌هایی گروه اجتماعی را

انتخاب کند. به‌ویژه که در عصر کنونی گزینه‌های مختلف در پیشروی انسان قرار می‌گیرد. بشر امروز با صنعتی شدن زندگی، بی‌هویتی را تجربه می‌کند، دست دراز می‌کند به‌سوی مکاتب مختلف و با داشتن شرایط آن‌ها چند صباحی زندگی می‌کند، بعد راه خطا رفته را متوجه می‌شود، بعد مکتب دیگر برمی‌گزیند، اشتباه او را نیز درک می‌کند. اینجا است که بحران هویت انسان مدرن را فراگرفته است. همواره به دنبال الگوی حقیقی است در این‌که مسیر راستین را کجا پیدا کرد؛ ذهنیت بشر امروزی را مشغول کرده است. در جامعه اسلامی، مرجعیت علمی قرآن برای پاسخگویی به نیاز مسلمانان؛ ازجمله در این‌که در چه گروه اجتماعی عضویت داشت، بیان کرده است. در جامعه اسلامی، به کتاب نازل‌شده خالق هستی‌بخش، باید مراجعه کرد که الگوی حقیقی را در شناسایی گروه اجتماعی، تبیین کرده است.

روش تحقیق

این تحقیق، به روش کیفی توصیفی ـ تحلیلی بامطالعه موردی اسنادی انجام‌شده است. «در تحقیق توصیفی شرایط یا پدیدهای موردبررسی توصیف می‌شوند. به‌کارگیری روش توصیفی برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری‌دادن به فرایند تصمیم‌گیری است؛ چنانچه داده‌ها به‌صورت واژه (و نه به‌صورت ارقام) به توصیف واقعیت‌ها بپرداز د، داده‌های کیفی هستند؛ ازآنجاکه استفاده از روش کیفی در علوم رفتاری رو به افزایش است، تحلیل داده‌های کیفی بیش‌ازپیش ضرورت یافته است. مطالعۀ موردی به روش کیفی و درک و تفسیر از داده‌ها انجام می‌شود. «مورد» چنان انتخاب می‌شود که نمایان کنندۀ وضعیت یا حالت کلی تحت مطالعه، یا مثالی از پدیده‌های منظور نظر باشد که پژوهشگر می‌خواهد دربارۀ آن‌ها به درک عمیق دست یابد.»(سرمد، زهره و دیگران، ۱۳۸۵: ۸۱ و ۸۹ و ۲۰۷) در این تحقیق با مراجعه به آیات سه جزء اول قرآن کریم که نمایانگری از

مفاهیم و واقعیت‌های مرتبط با گروه اجتماعی باشند، به‌منظور شناخت گونه شناسی گروه اجتماعی موردبررسی، مراجعه نموده؛ «مورد» تحت مطالعه چنان انتخاب‌شده است که نمایان کنندهٔ وضعیت کلی آن است؛ سپس با استفاده از روش تحقیق کیفی آن‌ها را تنظیم و سازمان داده به گونهٔ که بشود نتیجه‌گیری کرد به تحلیل موضوع پرداخته است. قلمرو مطالعه، سه جزء اول قرآن کریم است.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق، مطالعه تطبیقی میان گزاره‌های اجتماعی قرآن و جامعه‌شناسی معاصر، تنها مقاله از خانم اعظم خطیبی است. این مقاله تحت عنوان: «مطالعه تطبیقی معیارهای گروه‌بندی در جامعه‌شناسی و سه سوره اوّل قرآن کریم»، در مجله: «دو فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال سوم، شماره اوّل، بهار و تابستان۱۳۹۱ ، ص۵ – ۸۰ » چاپ‌شده است. نویسنده مقاله به مباحث ذیل پرداخته است: تعریف گروه به‌عنوان اولین پدیده اجتماعی، معرف‌های چهارگانه گروه اجتماعی (هدف مشترک، فعالیت مشترک، احساس تعلق به یکدیگر و سازمان‌دهی)، ساخت و کارکرد، معیارهای دسته‌بندی گروه‌ها در جامعه‌شناسی و معیارهای دسته‌بندی گروه‌ها در قرآن کریم؛ **مقایسه معیارهای جامعه‌شناسی در دسته‌بندی گروه‌ها (مانند کارکرد، اندازه، آهنگ تحرک اجتماعی و...) با معیارهای قرآنی در دسته‌بندی گروه‌های همنوا** (مؤمنین، متقین، خاشعین و...) و گروه‌های **ناهمنوا (منافقین، کافرین و گمراهان و...) با معیارهای قرآنی،** انجام‌شده است. در بخش طرح ادبیات تحقیق، ازیک‌طرف معیارهای جامعه‌شناسی و قرآن کریم را متمایز و درنتیجه؛ تعبیر آن‌ها را از گروه متفاوت دانسته است و در سطر آخر این بخش این عبارت است «البته در مطالعه‌ی علمی، منافاتی بین معیارهای قرآنی و جامعه‌شناسی وجود ندارد» وجه تفاوت و عدم منافات روشن نشده است. در تطبیق بررسی نشده

است که چرا واژه گروه انتخاب‌شده است. در معرف‌های گروه، مشخص نکرده است که در کدام آن‌ها اشتراک یا تفاوت وجود دارد. در معیارهای گروه، به‌طور جداگانه از دیدگاه جامعه‌شناسی و قرآن کریم بحث نموده است. در مقام مقایسه معیارها در گروه‌های همنوا، به مباحث اساس زندگی اجتماعی که در نظم اجتماعی مطرح است ازنظر جامعه‌شناسی پرداخته و ازنظر قرآن، فرد و جامعه را مهم دانسته است. به نظر می‌رسد، بحث‌های مطرح‌شده ربطی به معیارهای گروه ندارد. تحقیق ما باوجود مشترک بودن در حوزه مطالعاتی، تفاوت با تحقیق ذکرشده دارد. ادبیات تحقیق به گونه‌ی است که وجه اشتراک و تمایز مشخص‌شده است. با این توضیح که رابطه تضاد میان گزاره‌های اجتماعی قرآنی و جامعه‌شناسی معاصر و جود ندارد، در تبیین کلیات که انسان موجود اجتماعی است. زندگی اجتماعی در قالب گروه دسته‌بندی می‌شوند، مشترک هستند. در برخی موارد ویژگی‌های گروه اجتماعی، تفاوت‌های دارند؛ و در توضیح ویژگی‌های گروه اجتماعی، نکات مشترک و تمایز میان گزاره‌های اجتماعی قرآن و جامعه‌شناسی معاصر، مشخص‌شده‌اند. آیات که ویژگی‌های گروه را بیان می‌کنند تفسیر شده‌اند؛ سپس برای توضیح بیشتر به آیات متناظر به بحث ارجاع داده‌شده است. در این‌که چرا واژه «گروه» انتخاب‌شده، بررسی صورت گرفته است. تعریف از گروه اجتماعی نشان داده است که واژه گروه اجتماعی، نسبت به واژه‌های «انبوهه» و «دسته اجتماعی»، بهتر برای جمعی از انسان‌ها با ویژگی خاص قابل‌استفاده است. برای روشن شدن مطالعه تطبیقی گونه شناسی گروه اجتماعی در گزاره‌های اجتماعی قرآن و جامعه‌شناسی معاصر؛ تنها گونه سوم از سه نوع گروه اجتماعی بنیادی که از الگوی منظم پیروی می‌کنند، مشترک می‌باشند. گونه اول «تجمع» و گونه دوم «رده» گروه‌های متمایز از گروه اجتماعی در بیان آیات موردمطالعه است.

تعریف گروه اجتماعی

در سه جزء اول قرآن کریم، واژه‌های برای جمع از انسان‌ها، تحت عنوان‌های: قوم، طایفه، مؤمنین، کافرین و منافقین؛ قابل‌بحث است؛ زیرا این واژه‌ها در آیات موردمطالعه استفاده‌شده است... واژه‌های مانند حزب، عشیره، قریه و... در آیات سه جزء اول قرآن وجود ندارند؛ بنابراین، این واژه‌ها را موردبررسی قرار نمی‌دهیم. از میان واژه‌های ذکرشده، واژه قوم در مورد قوم بنی‌اسرائیل و واژه طایفه در آیه «طائفتان من المؤمنین» موجود در آیات تحت مطالعه است، واژه: مؤمنین، کافرین و منافقین، در این آیات، جامع‌ترین آن‌ها برای انواع گروه اجتماعی می‌باشند؛ زیرا گروه اجتماعی، شامل افراد انسانی است که به‌صورت جمع خطاب شده‌اند و ویژگی خاص برای آن‌ها ذکرشده است؛ اما واژه «قوم» نمی‌تواند مرادف با گروه اجتماعی، موردبحث قرار گیرد؛ زیرا واژه قوم به اعتبار یک ملاک، از قبیل خون، نسب، نژاد، خویشاوندی و تبعیت از یک‌تن، واحد قلمداد شده است (مصباح، ۱۳۸۰: ۸۵)؛ واژه قوم با این ویژگی‌ها نمی‌تواند شامل افراد انسانی شود که در گزاره‌های اجتماعی آیات سه جزء اول قرآن کریم، مطرح می‌باشند. واژه «طائفه» نیز نمی‌تواند مترادف با گروه اجتماعی باشد؛ زیرا در معنای آن گفته‌شده: ریشه «طایفه» از «طواف» است؛ طایفه هر شی‌ای به معنای قطعه‌ای از آن شیء است، ازاین‌رو، طایفه از مردم، یعنی قطعه‌ای از مردم (احمد مرادخوانی، ۱۳۸۶: ۵۴) یکی از مردم شناسان در توضیح مفهوم طایفه می‌نویسد: طایفه گروهی است متشکل از افرادی که بر اساس قاعده خویشاوندی نسبی «یک‌خطی Unilineaire» مدعی جد مشترک هستند. در اسلوب خویشاوندی نسبی غیرخطی، گاهی از خویشاوند «شاخه‌ای Ramage» صحبت می‌شود. اعضای طایفه، قابلیت آن رادارند تا روابط دودمانی خود را با جد مؤسس که طایفه کلان را مشخص و متمایز می‌کند، برقرار کنند. طایفه به‌وسیله کل جامعه، به‌منزله موجودیتی خودمختار شناخته‌شده است. (میشل پانوف و میشل پرن، ۱۳۶۸: ۲۲۸) به نظر می‌رسد، واژه «طائفه» برای جمعی از مردم استفاده می‌شود، شاید

بتوان آن را مترادف با «یک رده» در نظر گرفت؛ اما مترادف با گروه اجتماعی نیست؛ براین اساس واژه‌های (مؤمنین، کافرین و منافقین) تحت عنوان «گروه اجتماعی» بحث شده است.

در این‌که چرا واژه گروه اجتماعی در این تحقیق استفاده‌شده است به لحاظ این است که واژه‌های دیگر مانند «انبوهه» و «دسته اجتماعی» بار معنایی ندارند که شامل افراد انسانی با ویژگی‌های موردنظر باشند. برای روشن شدن این بحث، واژه‌ها را تعریف می‌کنیم. تعریف «انبوهه»: «به مجموعه از افراد می‌گویند که در یک‌زمان در یکجا حضور دارند، اما هیچ‌گونه ارتباطات معین مشترکی با یکدیگر ندارند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۱۳) مشخصات «انبوهه» نشان می‌دهد که نمی‌توان از این واژه برای جمعی از انسان‌ها با ویژگی‌های که در قرآن دارند، به کاربرد؛ زیرا جمعی از انسان‌ها (مؤمنین، کافرین و منافقین) ممکن است در یک‌زمان حضورداشته باشند یا نداشته باشند و امکان ارتباطات آن‌ها نیز وجود دارد. این ویژگی‌های جمعی انسانی در «انبوهه» وجود ندارد. تعریف «دسته اجتماعی»: «یک گروه‌بندی آماری است- یعنی افرادی که براساس ویژگی خاصی که در آن اشتراک دارند، مانند داشتن سطح درآمد یکسان یا شغل یکسان، طبقه‌بندی می‌شوند- افرادی که در یک دسته اجتماعی هستند نه با یکدیگر کنش متقابل دارند و نه در یکجا گرد هم می‌آیند؛ آن‌ها لزوماً به ویژگی مشترکی که در آن سهیم هستند هیچ اهمیت خاص نمی‌دهند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۱۳) از تعریف «دسته اجتماعی» این مطلب به دست می‌آید که این واژه درباره‌ی جمعی از انسان‌ها با ویژگی‌های خاص در قرآن، قابل‌استفاده نیست؛ زیرا جمعی از انسان‌های مورد خطاب قرآن، با یکدیگر کنش متقابل دارند ممکن است در یکجا جمع شوند و در ویژگی مشترکشان اهمیت می‌دهند؛ بنابراین واژه «گروه اجتماعی» بهترین گزینه برای استفاده در مورد جمعی از انسان‌ها مورد خطاب در آیات تحت مطالعه است برای روشن شدن این مطلب به تعریف گروه اجتماعی

می‌پردازیم. آقای بروس کوئن، گروه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «گروه به تعداد از آدم‌ها اطلاق می‌شود که با یکدیگر روابط متقابل دارند و براساس یک‌رشته چشمداشت‌های رفتاری مشترک، به همدیگر احساس وابستگی می‌کنند». (کوئن، ۱۳۸۳: ۹۳) آقای آنتونی گیدنز، در تعریف گروه اجتماعی می‌نویسد: «گروه اجتماعی عبارت از عده‌ای افراد است که با یکدیگر به‌طور منظم کنش متقابل دارند. این‌گونه کنش متقابل منظم معمولاً اعضای گروه را به‌عنوان واحد مشخص با یک هویت اجتماعی کلی به همدیگر پیوند می‌دهد. اعضای گروه شکل‌های رفتار معینی را از یکدیگر انتظار دارند که از دیگران مورد انتظار نیست» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۱۳).

از تعریف گروه اجتماعی، استفاده می‌شود که جمعی از انسان‌ها با ویژگی‌های خاص را می‌توان تحت عنوان گروه اجتماعی موردمطالعه قرارداد. گونه شناسی گروه اجتماعی، در آیات سه جزء اول قرآن کریم عبارت است از گروه مؤمنین با زیرمجموعه متقین، صالحین و...می‌شود. گروه کافرین شامل ضالین، مشرکین و... می‌شود. گروه منافقین شامل مکارین و خادعین و... برای مثال در سوره بقره، هدایت به گروه متقین که زیرمجموعه و خاص از مؤمنین است، اختصاص‌یافته که انضباط پرنفس و خویشتن‌داری دارند و از ویژگی این گروه رفتار مشترک در قالب اقامه نماز است. نماز باورهای گروه متقین را به غیب، به جهان آخرت و... را نماد عینی می‌بخشند و با احیاء ارزش‌ها، زمینه‌های انتقال آن‌ها را به نسل‌های آینده فراهم می‌سازند و درنتیجه خوشبختی جامعه تضمین می‌گردد.

ویژگی‌های گروه اجتماعی

ویژگی‌های گروه اجتماعی در جامعه‌شناسی معاصر: ۱-احساسات و انتظارات مشترک. ۲- روابط متقابل اجتماعی؛ و سازمان‌یافتگی. ۳- استمرار و پایداری. ۴- اهداف و مقاصد مشترک. (مجتبی صداقتی فرد: ۱۳۹۱، ۲۲۷). از این ویژگی‌ها؛

احساسات و انتظارات مشترک، استمرار و پایداری اهداف و مقاصد مشترک و احساس وابستگی به یکدیگر، ویژگی گروه اجتماعی، به‌صورت مشترک در بیان گزاره‌های اجتماعی قرآن و جامعه‌شناسی معاصر است. در تحلیل جامعه‌شناسی دینی، دین وجوه مشترک میان افراد را تقویت می‌کند به گفته ابن خلدون: آیین دینی باعث از بین رفتن رقابت کشمکش و حسادت موجود در میان اهل عصبیت می‌گردد و توجه آن‌ها را تنها به‌سوی حق معطوف می‌سازد (مقدمه ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۱۲۵) وجه احساس مشترک در میان اعضای گروه اجتماعی دینی، در جامعه‌شناسی چنین تبیین شده است: در نظر *دورکیم*، دین، در درجه اول، از طریق تحمیل انضباط بر نفس و خویشتن‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد. این امر معرف نقش انضباط‌بخش بودن دین است. تشریفات مذهبی، که از مظاهر دین است، مردم را گرد هم می‌آورد و بدین‌سان، پیوندهای مشترک آن‌ها را دوباره تصدیق و تأیید می‌کند. درنتیجه، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد. این امر نشانگر نقش انسجام بخش دین است. مردم با اجرای مراسم دینی، میراث اجتماعی گروه را ایفا و احیا می‌کنند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده منتقل می‌سازند که این نیز از نقش حیات‌بخش بودن دین حکایت می‌کند. دین با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت ضروری جهان اخلاقی، که خود جزئی از آن هستند، بااحساس ناکامی و فقدان ایمان در آن‌ها مقابله می‌کند و این امر نیز بیانگر نقش خوشبختی بخش بودن دین است (ریمون آرون، ۱۳۷۰: ۶۱ ـ ۴۳).

ویژگی‌های که در آیات اول سوره بقره برای گروه متقین بیان‌شده، نشان‌دهنده این‌که تقوی الهی، مؤمنان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کند. دستور دین بر اقامه نماز، همبستگی اجتماعی ایجاد می‌کند اجرای مراسم دینی سبب زنده ماندن میراث اجتماعی و انتقال آن به نسل‌های بعد است. احساس رستگاری در گروه متقین، بیان‌گر نقش دین در خوشبختی جامعه‌ی باتقوای

است.

ویژگی احساس مشترک اعضای گروه اجتماعی، به زبان جامعه‌شناسی چنین تبیین شده: «به زبان جامعه‌شناسی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه‌ای آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند». (آلن بیرو، ۱۳۸۰: ۴۰۰) احساس مشترک میان اعضای گروه در قرآن در قالب انفاق بیان‌شده ست[۱]. انفاق در جامعه موجب می‌شود که توزیع عادلانه درآمد در نهاد اقتصاد به انجام برسد و حداقل تأمین زندگی برای همه فراهم شود و ازآنجاکه در انفاق انگیزه الهی وجود دارد، افراد به‌سوی جامعه‌ای توحیدی جهت‌گیری پیدا می‌کند.

در ویژگی که گروه اجتماعی، در روابط متقابل، ساختار به معنای سلسله‌مراتب داشته باشد بیان قرآن و جامعه‌شناسی معاصر تفاوت دارد. **جامعه**-شناسان برای دسته‌بندی گروه‌ها براساس نوع روابط تلاش کرده‌اند مانند دسته‌بندی براساس رسمی یا غیررسمی، تعداد، گستره، پخش، آهنگ، اندازه، دوام و غیره (کوئن، ۱۳۸۳؛ گیدنز، ۱۳۸۵؛ گوریج، ۱۳۵۶). روابط متقابل در بیان قرآن، ارزشی و ریشه در اعتقادات افراد دارد ساختار گروه معنوی است، ازاین‌جهت تفاوت در نوع روابط متقابل در گروه اجتماعی ازنظر جامعه‌شناسی معاصر و در بیان قرآن، وجود دارد.

گونه‌شناسی گروه اجتماعی

گونه شناسی گروه اجتماعی، در جامعه‌شناسی معاصر، به گروه‌های اختیاری و غیر اختیاری، درون‌گروهی و غیر درون‌گروهی، گماینشافت و گزلشافت، گروه‌های نخستین و گروه‌های ثانویه، گروه‌های رسمی و غیررسمی، گروه‌های

---

[۱]- بقره / ۳

مرجع و گروه‌های همدرد (تسلی‌بخش) و گروه‌های صمیمی (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۸)؛ تقسیم می‌شوند. آنچه موردنظر در این تحقیق است، سه گونه گروه بنیادی در جامعه‌شناسی است. نخستین نوع گروه (تجمع): به هرگونه گرد هم آمدن طبیعی مردم اطلاق می‌شود. گروه دوم (یک رده): به تعداد از افراد اطلاق می‌شود که در برخی از ویژگی‌ها اشتراک دارند. سومین گروه: به تعدادی از افراد اطلاق می‌شود که در نوعی الگوی کنش متقابل منتظم و تکراری سهیم‌اند (کوئن، ۱۳۸۳: ۹۳) از این سه گونه گروه بنیادی، گونه‌ی سوم قابل تطبیق با گروه، در آیات (مؤمنین، کافرین و منافقین) است. دو گونه اول گروه در جامعه‌شناسی «تجمع» و «یک رده» با گروه در آیات، تطبیق ندارند؛ زیرا افراد انسانی با باورهای دینی که دارند به شکل طبیعی گرد هم نیامدند و یا در برخی ویژگی‌ها اشتراک ندارند؛ بلکه دسته گروهی از افراد هستند که در نوعی الگوی که همان اعتقاداتشان است کنش متقابل دارند و آن‌ها با این کنش‌های تکراری منتظم و مرتبط می‌شوند.

گونه‌شناسی گروه اجتماعی، در آیات موردمطالعه قرآن کریم، در سوره حمد، سه گونه گروه ذکرشده است ا- گروه که در صراط مستقیم‌اند. ۲- گروه غضب شدگانند. ۳- گروه که گمراه‌اند. در سوره بقره، مردم را در ارتباط با برنامه و آئین اسلام به سه گروه متفاوت تقسیم می‌کند: ۱- «متقین» (پرهیزکاران) که اسلام را در تمام ابعادش پذیرا گشته‌اند ۲- «کافران» که در نقطه مقابل گروه اول قرارگرفته و به کفر خود معترف‌اند. ۳- «منافقان» که دارای دو چهره‌اند، با مسلمانان ظاهراً مسلمان و با گروه مخالف، مخالف اسلام‌اند، البته چهره اصلی آن‌ها همان چهره کفر است، بدون شک زیان این گروه برای اسلام بیش از گروه دوم است و به همین سبب قرآن با آن‌ها برخورد شدیدتری دارد. (مکارم شیرازی، ج اول، ۱۳۸۲: ۳۸) در این تحقیق گونه شناسی گروه اجتماعی، در آیات موردمطالعه به سه گروه (مؤمنین، کافرین و منافقین) تحلیل می‌شوند. گونه‌های

دیگر تحت این سه گونه قرار دارند.

آیات ۲-۵ سوره بقره:

ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فیهِ هُدیً لِلْمُتَّقینَ (۲) الَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلاةَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ (۳) وَ الَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ (۴) أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

تفسیر آیات

خداوند متعال در ابتدای سوره بقره، قرآن را کتاب هدایت، متقین معرفی می‌کند و سپس به بیان بعضی از صفات و ویژگی‌های آنان می‌پردازد. حال، این سؤال پیش می‌آید که آیا قرآن فقط متقیان را هدایت می‌کند یا راهنمای همه انسان‌هاست؟ در پاسخ باید گفت:

هدایت دو مرحله دارد:

مرحله اول، راه‌نشان دادن و دعوت کردن است. در این مرحله قرآن برای همه انسان‌ها هدایت است، زیرا همه را به راه راست دعوت می‌کند و طریق سعادت و شقاوت را روشن و آشکار می‌گرداند.

مرحله دوم به معنای راه بردن و به مقصد رساندن است. در این مرحله قرآن فقط برای کسانی هدایت است که به دستورات آن عمل کنند و گوش دل به ندای قرآن بسپارند و اینان متقیان‌اند؛ کسانی که دلشان در مقابل حق خاضع و رام است و سعی و کوشش آنان دررسیدن به رضای حق است، اما کسانی که نسبت به‌حق عناد دارند و سعی و تلاش آنان در برآوردن هواهای نفسانی و شهوانی خود می‌باشد و به دستورات قرآن وقعی نمی‌نهد، به‌طور طبیعی از هدایت قرآن بی‌بهره خواهند بود. (معارف قرآن، ۱۳۸۷: ۳۰)

ویژگی‌های گروه متقین: گروه متقین، گروهی از افراد خاص از گروه مؤمنین است.

۱-گروه متقین ایمان به غیب دارند: ایمان به غیب درست نخستین نقطه‌ای است که مؤمنان را از غیر آن‌ها جدا می‌سازد و پیروان ادیان آسمانی را در برابر منکران خدا و وحی و معاد قرار می‌دهد و به همین دلیل نخستین ویژگی پرهیزکاران ایمان به غیب ذکرشده است.

۲-مؤمنان باتقوا اقامه نماز می‌کنند: ارتباط باخدا از ویژگی پرهیزکاران است، نماز که رمز ارتباط باخداست، مؤمنانی را که به جهان ماورای طبیعت راه‌یافته‌اند در یک رابطه دائمی و همیشگی با آن مبدأ بزرگ آفرینش نگه می‌دارد. آن‌ها تنها در برابر خدا سر تعظیم خم می‌کنند. چنین انسان‌هایی احساس می‌کنند از تمام مخلوقات دیگر فراتر رفته‌اند و ارزش آن را پیداکرده‌اند که باخدا سخن بگویند.

۳-پرهیزگاران انفاق می‌کنند: متقین با انفاق ارتباط با انسان‌ها برقرار می‌کنند، آن‌ها علاوه بر ارتباط دائم با پروردگار رابطه نزدیک و مستمری با خلق خدا دارند و به همین دلیل سومین ویژگی آن‌ها را قرآن چنین بیان می‌کند که از تمام مواهبی که به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. از تمام سرمایه‌های خویش به آن‌ها که نیاز دارند می‌بخشند، بی‌آنکه انتظار پاداشی داشته باشند.

۴- متقین ایمان به قرآن و کتب آسمانی و یقین به آخرت دارند: ایمان به تمام پیامبران و برنامه‌های الهی از ویژگی‌های پرهیزگاران است. باور به همبستگی رسالت همه انبیاء الهی که ریشه همه ادیان توحیدی و در راستای جهان اجتماعی الهی قرار دارند که زمینه‌ساز جهان آخرت باشد.

۵- این گروه متقین از هدایت الهی برخوردارند و رستگاری و سعادتمندند: آن‌ها یقین دارند که انسان عبث و بی‌هدف آفریده نشده، آفرینش برای او خط سیری تعیین کرده است که با مرگ هرگز پایان نمی‌گیرد. فرد پرهیزکار اعتراف

دارد کـه عـدالـت مـطـلق پروردگار در انتظار همگان است و چنان نیست که اعمال ما در این جهان، بی‌حساب و پـاداش بـاشـد. ایـن اعتقاد به او آرامش می‌بخشد. از فشارهایی که در طریق انجام مسئولیت‌ها بر او وارد می‌شود نه‌تنها رنج نمی‌برد بلکه از آن استقبال می‌کند و مطمئن است کوچک‌ترین عـمـل نـیـک و بد پاداش و کیفر دارد. باور دارد که بعد از مرگ به جهانی وسیع‌تر که خالی از هـرگـونـه ظـلـم و سـتـم اسـت انـتـقـال می‌یابد و از رحمت وسیع و الطاف پروردگار بزرگ بهره‌مند می‌شود. سپس اشاره‌ای می‌کند به نتیجه و پایان کار مؤمنانی که صفات پنج‌گانه فوق را در خود جـمع کرده‌اند؛ و می‌گوید: «**ولئک علی هدی من ربهم وأولئک هم المفلحون**؛ این‌ها بر مسیر هدایت پروردگارشان هستند و این‌ها رستگاران‌اند». (معارف قرآن، ۱۳۸۷: ۴۱)

ویژگی‌های گروه متقین در آیات دیگر سوره بقره: اقامه نماز، دادن زکات، پندآموزی از عقوبت زیانکاران، به عهد که بسته‌اند وفادارند، عفو و گذشت، داخل شدن در هر کاری از راهش، صاحب عقل و ادراک‌اند، کسانی هستند که حق را با باطل مشتبه نمی‌سازند، رعایت حدود الهی رادارند، کسانی که تقوی دارند خداوند یاری‌شان می‌کند.[۱]

گونه‌های دیگر از مؤمنین مانند؛ خاشعین: از نماز و صبر روزه کمک می‌طلبند، گمان ملاقات با پروردگارشان دارند[۲]؛ صالحان و شایستگان: کسانی هستند که براثر تقوای باطنی و اطاعت محض اوامر الهی، شایستگی پیشوایی بر مردم را پیدا می‌کنند و خلیفه خداوند بر زمین می‌شوند تا احکام الهی را جاری سازند، کسانی هستند که پیشوایی پیامبران خداوند و خلیفه الهی در زمین را می‌پذیرند و اطاعت می‌کنند[۳]. ویژگی‌های مؤمنین (مسلمین): به خدا و روز قیامت

---

[۱] – بقره /۴۲، ۴۳،۶۶، ۱۷۷، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۴و ۱۹۷)

[۲] –بقره / ۴۵ /۴۶

[۳] – (.بقره ۱۲۴ /و ۱۲۸ و۱۲۹، ۱۳۰)

ایمان دارند و کارهای نیک و شایسته می‌کنند. اطاعت از فرمان الهی دارند در ایمان به کتاب (قرآن) و آنچه بر پیامبران گذشته نازل‌شده است، ترس از خدا دارند، به یاد خدایند، در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت دارند، با رویگردانی از باطل، حرمت‌های الهی را رعایت می‌کنند، با پذیرش ولایت الهی از تاریکی‌ها به‌سوی نور حرکت می‌کنند، از وسوسه‌های شیطان پیروی نمی‌کنند، نیکوکار، اقامه نماز می‌کنند و زکات می‌دهند، اهل انفاق با بهترین چیزها، دادن مهلت به مقروض، سخت نگرفتن در پس گرفتن وام، صبر و مقاومت، دوستی باخدا، نگرفتن ربا، داشتن سند و نوشته در معاملات نسیه بین خود، عدم خیانت در امانت[1]. صابرین، نیکوکاران و راست‌گویان؛ گونه‌های دیگر از مؤمنین‌اند، با این ویژگی‌ها: کمک گرفتن از صبر و مقاومت در نماز، برخورداری از بشارت الهی در مقابل سختی‌ها و آزمایش‌ها، صبر در مصیبت، الطاف الهی شامل آن‌ها شده و هدایت یافتگانند، صبر در جهاد، انفاق دارایی، آزاد کردن بنده، برپایی نماز و پرداخت زکات، وفای به عهد، صبر در جنگ و سختی، سوگند دروغ نخوردن، انفاق برای خشنودی خدا، عدم رباخواری.[2]

گونه شناسی گروه مؤمنین-متقین (راسخون، صابرین و...) در سوره آل‌عمران، ویژگی‌ها: اهل دانش و خرداند به همه کتاب (قرآن) ایمان دارند، همیشه به درگاه خدا تضرع دارند که به باطل میل پیدا نکنند، جهادکنندگان در راه خدایند و از یاری خدا برخوردار می‌شوند، ایمان به خدا دارند از گناهانشان طلب آمرزش می‌کنند، کسانی هستند که صبر، راستگو، فرمان‌بردار، انفاق کننده به فقیران و استغفار کنندگان در سحرند، دوستی با مؤمنان دارند، به خدا ایمان آورده و نیکوکارند و خداوند اجرشان را می‌دهد، به عهد خود وفا می‌کنند و با

[1] - (بقـره / ۶۲، ۸۲، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۳، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳ و ۲۸۵)

[2] - بقره / ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۴۹، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۰، ۱۹۵، ۲۲۳، ۲۱۴، ۲۲۴، ۲۶۵، ۲۷۷، ۲۷۸.

پرهیزگاری خدا آن‌ها را دوست دارد، در ایمانشان فرقی میان پیغمبران نمی‌گذارند[1].

در ویژگی‌های گروه خاص مؤمنین (متقین) آیات اول سوره بقره تفسیر ارائه شد؛ اما آیات دیگر از سوره بقره و آل‌عمران مرتبط با موضوع به توضیح کلی اکتفا شده؛ زیرا تفسیر آن‌ها از گنجایش این تحقیق بیرون است درنتیجه گیری کلی، آثار اجتماعی رفتار گروه مؤمنین در جامعه، اشاره می‌شود: گروه مؤمنین، در جامعه هویت توحیدی می‌دهد، با ترسیم نمودن راه مستقیم، از گروه کافرین و منافقین متمایز، می‌شود. در گروه مؤمنین، کمالات انسانی دارای مراتب تکاملی است. ویژگی‌های مانند تقوا نمونه‌ی کمال از ایمان است. در جامعه توحیدی، گروه مؤمنین با اقامه نماز، دادن زکات و انفاق و...همبستگی اجتماعی الهی را عملیاتی می‌نمایند و ارتباط باخدا در عین ارتباط با خلق خدا معنی پیدا می‌کند. با اجرایی نمودن نظارت اجتماعی در قالب امربه‌معروف و نهی از منکر، نوع‌دوستی به همدیگر را، همگانی می‌سازند. با داشتن روحیه جهادی و صبر و مقاومت از الطاف الهی برخوردار می‌شوند. با داشتن ولایت الهی جامعه تکاملی حرکت از تاریکی‌ها به‌سوی نور را دارند؛ در نتیجه رستگاری برای آن‌ها وعده داده‌شده است

ویژگی‌های گروه کافرین: گروه کافرین، افراداند که به خدا، رسول، انبیاء و روز قیامت؛ ایمان ندارند

«إِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ[2]. خَتَمَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظیمٌ؛[3] گروه کافرین، در کفر خود سخت لجوجاند، آن‌ها را بترسانی از عواقب اعتقاد که دارند یا

[1] – آل‌عمران /۷، ۸، ۱۳، ۲۸،۱۷، ۵۷، ۷۶،۸۴،
[2] – بقره / ۶
[3] سوره بقره آیه ۷

نترسانی ایمان نمی‌آورند. دل‌های مهر کرده و گوش‌های پرده افکنده دارند که نمی‌توانند حقایق و معارف الهی را درک کنند.»

علامه طباطبایی در المیزان در تفسیر این آیه می‌نویسد: * (خَتَمَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ، وَ عَلی سَمْعِهِمْ)[1] در این جمله سیاق تغییریافته، یعنی در اول، مهر بر دل‌ها زدن را به خودش نسبت داده، ولی پرده بر گوش و چشم داشتن را به خود کفار نسبت داده و فرموده: خدا مهر بر دل‌هایشان زده و بر گوش‌ها و چشم‌هایشان پرده است و این اختلاف در تعبیر می‌فهماند که یک‌مرتبه از کفر از ناحیه خودشان بوده و آن این مقدار بوده که زیر بار حق نمی‌رفته‌اند و یک‌مرتبه شدیدتری را خدا به‌عنوان مجازات بر دل‌هایشان افکنده، پس اعمال آنان در وسط دو حجاب قرار دارد، یکی حجاب خودشان و یکی حجاب خدا. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱)

این آیه در تفسیر نمونه، چنین توضیح داده‌شده: آیه ۶- گروه دوم، کافران لجوج و سرسخت! این گروه درست در نقطه مقابل متقین و پرهیزکاران قرار دارند و صفات آن‌ها در این آیه و آیه بعد به‌طور فشرده بیان‌شده است. در این آیه می‌گوید «آن‌ها که کافر شدند (و در کفر و بی‌ایمانی سخت و لجوج‌اند) برای آن‌ها تفاوت نمی‌کند که آنان را از عذاب الهی بترسانی یا نترسانی ایمان نخواهند آورد» (إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ). این دسته چنان در گمراهی خود سرسخت‌اند که هرچند حق بر آنان روشن شود حاضر به پذیرش نیستند و اصولاً آمادگی روحی برای پیروی از حق و تسلیم شدن در برابر آن را ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۲).

(آیه ۷)- این آیه اشاره به دلیل این تعصب و لجاجت می‌کند و می‌گوید: آن‌ها چنان در کفر و عناد فرورفته‌اند که حس تشخیص را ازدست‌داده‌اند «خدا بر

[1] (۱)- سوره بقره آیه ۷

دل‌ها و گوش‌هایشان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده افکنده شده» (خَتَمَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ) به همین دلیل نتیجه کارشان این شده است که «برای آن‌ها عذاب بزرگی است» (وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ). مسلماً انسان تا به این مرحله نرسیده باشد قابل هدایت است، هرچند گمراه باشد، امّا به هنگامی‌که حس تشخیص را براثر اعمال زشت خود از دست داد دیگر راه نجاتی برای او نیست، چراکه ابزار شناخت ندارد و طبیعی است که عذاب عظیم در انتظار او باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۲).

ویژگی‌های گروه کافرین در سوره بقره: قادر به فهم حقایق نیستند، آن‌ها را بترسانی یا نترسانی ایمان نخواهند آورد، تکذیب آیات الهی می‌کنند، حسودند و به همین جهت راه ستمگری پیش گرفتند و به نعمت قرآن که از لطف خدا نازل‌شده کافرشدند، دشمن خدا و پیامبران‌اند، اهل عناد و پیرو شیطان هستند، مورد نفرت خدا و مردم قرار دارند فرشته‌ها هستند، کر، گنگ و کورند در شنیدن سخنان انبیاء و درک نکردن معنای آن، زندگی دنیا برای کافرین جلوه نموده، مؤمنین را مسخره می‌کنند، مرتد شوندگان از دین اسلام، اعمالشان در دنیا و آخرت باطل می‌شود، کافرین از هدایت الهی برخوردار نمی‌شوند.[۱]. کافرین ولایت طاغوت را پذیرفته‌اند که آن‌ها را از عالم نور به تاریکی‌های گمراهی می‌افکند[۲] فاسقان، فاسدان، ستمکاران، مشرکان و خطاکاران از زیرمجموعه کافرین می‌باشند ویژگی‌ها: تغییر در حکم خدا به وجود می‌آورند، دست از عصیان و ستمکاری برنداشته به آیات الهی کافر گشته‌اند، کشته‌شدگان انبیاء هستند، حریص به زندگی دنیا می‌باشند، منع‌کننده از مساجد، از روی عناد حق را کتمان می‌کنند درصورتی‌که علم به آن دارند، به جنگ و دشمنی با مسلمانان برمی‌خیزند، حدود الهی را رعایت نمی‌کنند، ادعای خدایی، شرک به خدا و سرپیچی از راهنمای

[۱] – بقره / ۶، ۷، ۳۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۶۱، ۱۷۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۶۴.
[۲] – بقره / ۲۵۷.

الهی[1].

در سوره آل‌عمران ویژگی‌های کافرین چنین بیان‌شده است: کفر و تکذیب آیه‌های خداوند دارند به همین سبب عذاب شدید به آن‌ها و مغلوب شدن وعده داده‌شده و گروه مؤمنین را دو برابر می‌بینند، رواج آیین و اعتقاداتی غیر از اسلام در جامعه می‌کنند، اقدام به کشتن انبیاء و مردمی می‌کنند که جامعه را به عدالت فرامی‌خوانند، کافران دینی غیر دین خدا را می‌طلبند و کافران را خدادوست ندارد و عذاب شدید در دنیا و آخرت دارند و از هدایت الهی برخوردار نمی‌شوند، مورد نفرت خدا و مردم هستند و کسانی که بعد از ایمان کافرشدند عذاب دردناک خواهند داشت.[2] گونه‌های گروه کافرین مانند گمراهان[3]، زیانکاران[4]، ستمکاران[5]. ویژگی‌های این‌گونه افراد عبارت‌اند؛ از پیرو هوای نفس، کفر بعد از ایمان و عدم پذیرش اسلام است.

تفسیر آیات اول سوره بقره درباره‌ی ویژگی‌های کافرین، ارائه گردید. آیات دیگر از سوره بقره و آل‌عمران مرتبط با موضوع، توضیح کلی داده‌شده؛ نتیجه‌گیری این آیات از ویژگی‌های گروه کافرین این است که گروه کافرین، با تکذیب آیات الهی، جمعی از انسان‌های با حسادت و لجاجت را تشکیل داده‌اند که توانایی درک حقیقت را ندارند، پیرو شیطان هستند از هدایت الهی برخوردار نمی‌شوند. ولایت طاغوت را پذیرفته از نور به‌سوی تاریکی‌ها درحرکت‌اند، با پیروی از هوای نفس، حدود الهی را رعایت نمی‌کنند؛ درنتیجه از گمراهان، ستمکاران و زیانکاران هستند.

[1] – بقره / ۶۱،۵۹،۹۲، ۹۵، ۹۶، ۱۱۴، ۱۴۶، ۱۹۰، ۲۲۹، ۲۵۸.
[2] – آل‌عمران / ۴،۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۱، ۳۲، ۵۶، ۸۳، ۸۶، ۸۵، ۸۷، ۹۰، ۹۱.
[3] – آل‌عمران / ۹۰
[4] – آل‌عمران / ۸۵.
[5] – آل‌عمران / ۵۷.

ویژگی‌های گروه منافقین: منافقان افرادی هستند که هدایت الهی را واقعاً و قلبا نپذیرفته‌اند، ولی چهره کفر خود را در نقابی از ایمان پنهان می‌دارند و به‌ظاهر در میان مسلمانان قرار می‌گیرند. آیات از سوره بقره درباره‌ی گروه منافقین:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸) يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ ما يَخْدَعُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَشْعُرُونَ (۹) فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْذِبُونَ ۱۰ وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

معنای نفاق

نفاق از ماده «نَفْق» به معنای نفوذ و پیشروی است. نفق به معنی کانال و راهرو زیرزمینی است که از آن برای استتار یا فرار استفاده می‌کنند. برخی حیوانات مانند موش صحرائی، روباه و سوسمار برای لانه خود دو سوراخ قرار می‌دهند، یکی آشکار که از آن وارد و خارج می‌شوند و دیگری پنهان که اگر احساس خطر کنند، از آن می‌گریزند. این سوراخ پنهانی را «نافِقاء» گویند. (معارف قرآن، ۱۳۸۷: ۳۲)

نفاق در اصطلاح، اظهار ایمان و پنهان کردن کفر باطنی را «نفاق» گویند. (معارف قرآن، ۱۳۸۷: ۳۲). گروه منافقان، خطرناک‌ترین دشمن مسلمانان به شمار می‌روند، چراکه شناخت چهره نفاق برای توده مردم بسیار دشوار و مبارزه با آن مشکل‌ترین مبارزه‌هاست.

ویژگی‌های منافقان

آیات فراوانی از قرآن کریم ویژگی‌ها و صفات منافقان را بیان کرده است، ازجمله:

۱- تظاهر به ایمان: منافقان اگرچه در ظاهر ادعای مسلمانی دارند، اما در دل ایمان نیاورده و به خدای متعال معتقد نیستند. آیه موردبحث به این حقیقت اشاره‌کرده که آنان به زبان می‌گویند ما به خدا و روز رستاخیز ایمان‌داریم، اما در دل ایمان نیاورده‌اند. غرض منافقان از ادعای ایمان، نیرنگ و فریب دادن مؤمنان است، زیرا منافقان با جا زدن خویش در جمع مسلمانان می‌خواهند آنان را فریب داده و خود را جزء آنان قلمداد کنند و در پیروزی‌ها و غنائم جنگی سهیم شده و از نیروهای مسلمان برای منافع خویش، سودجویند. خداوند این ویژگی را برملا کرده و آن‌ها را به خاطر نیت‌ها و افکار زشتشان نکوهش نموده است:

«یُخادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذینَ آمَنوُا وَ ما یَخْدَعُونَ اِلَّا انْفُسَهُمْ وَ ما یَشْعُرُونَ»[۱]

می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، درحالی‌که جز خود را فریب ندهند و نمی‌فهمند.

۲- بیماردلی: منافقان، روح و قلب بیمار دارند و دچار مرض شک و تردیدند. قرآن مجید دراین‌باره می‌فرماید: «فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً»[۲]. در دل‌هایشان نوعی بیماری است و خدا نیز بر بیماری‌شان بیفزاید.

۳- دروغ‌گوئی: از دیگر ویژگی‌های گروه منافقان، که قرآن بارها آن را یادآور شده دروغ‌گوئی است. خداوند نیز با تأکید می‌فرماید: این‌ها دروغ‌گویند. (معارف قرآن، ۱۳۸۷: ۴) آقای طالقانی در «پرتو از قرآن» این آیات را چنین تفسیر کرده است: «این آیات درباره ویژگی‌های گروه منافقان است، این‌ها نه مانند گروه دوم‌اند که فطرت کمال‌جویی و احساس به خطرشان ختم شده باشد و نه مانند گروه نخستین می‌باشند که پس از تابش قرآن از تاریکی‌ها رهیده تا به ساحل نجات رسیده‌اند، گروه نخستین چون قوای نفسانی‌شان هماهنگ و ثابت است و با

[۱]- بقره /، آیه ۹.
[۲]- بقره / آیه ۱۰.

نور هدایت قرآن و ایمان به غیب درراه مستقیم پیش می‌روند عنوان و نام «متقین» را خداوند به آن‌ها داده که وصف اسمی و دلالت بر ثبات دارد، آنگاه اوصافشان را با فعل‌های مضارع آورده که مشعر بر حرکت و تکامل هست، وصف کفر و ختم برای گروه دوم با فعل ماضی آمده که خبر از گذشته و درگذشت و مرگ روحی و معنوی آنان است، برای گروه سوم نه وصف ثابتی ذکر نموده و نه از آینده‌شان خبری امیدبخش داده و نه وضع گذشته‌شان را تذکر داده، تنها از آن‌ها به گروهی از مردم تعبیر نموده یعنی هیچ وصف و عنوان ثابتی ندارند، زیرا این دسته مردمی‌اند که گفتارشان با رفتار و رفتارشان با نیات قلبی و همه این‌ها با ادراکات فطری و وجدانی‌شان منطبق نیست و دچار اختلال فکری و تجزیه قوای باطنی و نا هم آهنگی نفسانی‌اند، خطر این دسته برای هر جمعیت هم‌فکری بیش از کافران است و کمتر شناخته می‌شوند و همه در نفاق یکسان نیستند، به این جهت قرآن در این آیات اعمال و اوصاف آنان را بیشتر موردبحث قرار داده و شاید این‌ها دسته ظاهر منافقین‌اند، زیرا بیماری نفاق در بیشتر مردم وجود دارد و همان اندازه که مؤمن خالص، اندک است کافر محض هم اندک است، در آیات دیگر قرآن نام منافق را بر آن‌ها نهاده و یک سوره بنام منافقین است. نفق- سوراخ‌ها و لانه‌های موش در خلال زمین است که راه‌های مختلف دارد، موش کور که از پرتو نور گریزان است در آن‌ها بسر می‌برد و هرگاه خطری از سویی به او متوجه شد از سوی دیگر خود را می‌رهاند، گویا نام منافق به همین تناسب است زیرا منافق شخص ناتوان از جهت تفکر و تصمیم است بدین‌جهت خود را با هر جمعیت و محیطی تطبیق می‌دهد و روی‌های گوناگون دارد تا به هر رویی مردمی را بفریبد، چنان‌که در این آیات یکی از اوصاف آنان «مخادع» است که اسم فاعل «یخادعون» است و یکی از معانی «خدعه» پنهان شدن «جانور، کفتار» در لانه است». (طالقانی، ۱۳۶۲: ۷۰)

ویژگی‌های گروه منافقان در سوره بقره: تظاهر به ایمان می‌کنند در حال که

ایمان ندارند، مؤمنان را فریب می‌دهند، دل‌های مریض به جهل و عناد دارند، با ادعای اصلاح فساد می‌کنند، ایمان آوردن را بی‌عقلی و بی‌خردی می‌دانند، مؤمنان را به مسخره می‌گیرند، گمراهی را با هدایت معامله می‌کنند، راه حق را گم‌کرده‌اند، کر، گنگ و کورند، کلام خدا را تحریف می‌کنند، هرگاه با مؤمنان روبرو شوند می‌گویند ما نیز مانند شما ایمان آورده‌ایم چون با یکدیگر خلوت کنند می‌گویند چرا دری که از علوم برای شما گشوده به روی مسلمانان بازکنید، از چرب‌زبانی به متاع دنیا می‌رسند و بدترین دشمن اسلام‌اند[1]. ویژگی‌های گروه منافقین در سوره آل‌عمران: به‌قصد فریب مؤمنان اظهار ایمان می‌کنند تا شاید بدین نیرنگ آن‌ها را از دین اسلام برگردانند، با علم دروغ به خدا نسبت می‌دهند.[2]

تفسیر آیات ۸-۱۱ سوره بقره درباره ویژگی‌های گروه منافقین، ارائه شد. توضیح کلی آیات دیگر، مرتبط با ویژگی‌های گروه منافقین تبیین گردید. نتیجه‌گیری از این آیات این است که گروه منافقین، دو چهره‌اند، به‌ظاهر اظهار ایمان می‌کنند در باطن ایمان ندارند، با شعار اصلاح، فساد در جامعه می‌کنند، در مقابل فروش هدایت، گمراهی می‌خرند، با تحریف کلام خدا، بدترین دشمن اسلام‌اند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق بامطالعه سه جزء اول قرآن کریم، باتوجه به ابعاد اجتماعی آیات، انجام‌شده و به این نتیجه رسیده است که می‌توان رابطه برقرار کرد میان گزاره‌های که به زبان جامعه‌شناسی بیان‌شده‌اند و محتوای آیات قرآن کریم. شناسایی موضوع اولین گام در فهم ابعاد اجتماعی آیات بوده است. مطالعه این

[1] – بقره / از آیه ۲۰ -۸ و۷۶، ۲۰۳، ۲۰۴
[2] – آل‌عمران / ۷۸،۷۲

آیات نشان می‌دهد که این آیات مربوط به گونه شناسی گروه است که در جامعه وجود دارند. بررسی علمی این آیات نیاز داشت به استفاده از منابع تفسیری و جامعه‌شناسی که به‌صورت تطبیقی انجام شود. مطالعه تطبیقی گروه اجتماعی به نکته اشتراک، این آیات و جامعه‌شناسی در ویژگی‌های گروه، در قالب احساسات و انتظارات، همبستگی و داشتن رفتار و اهداف مشترک، اشاره دارد؛ اگرچه نکته جدا از هم در جهت و روابط متقابل ساختاری و موارد مربوط به هدایت، غیب و جهان آخرت دارند. زبان جامعه‌شناسی توصیفی و دنیایی است؛ اما بیان قرآن تبیینی و ترکیب از دنیایی و آخرتی است به همین جهت شناسایی گونه شناسی گروه در جامعه‌شناسی واقعیات ظاهری و براساس روابط اجتماعی (بدون در نظر گرفتن حقیقت‌های درون ذهنی انسان‌ها) در جامعه است. براین اساس گروه به گماینشافت و گزلشافت، رسمی، غیررسمی و غیره گونه شناسی می‌شوند. شناسایی گونه شناسی گروه، به بیان قرآن در این آیات، حقایق نهفته در ذهن و باطن انسان‌ها و نوع روابط که میان افراد براساس این حقایق شکل می‌گیرد و واقعیت‌های ظاهری که در جامعه موجود است؛ به سه گروه مؤمنین، کافرین و منافقین تقسیم می‌شوند که هرکدام ویژگی‌های دارند. این گونه‌شناسی گروه اجتماعی در آیات قرآنی موردمطالعه، با گونه شناسی گروه اجتماعی در جامعه‌شناسی که با پیروی از الگوی مشترک در رفتار منتظم و تکراری سهیم‌اند، قابل تطبیق‌اند؛ اما با گونه‌های مثل «تجمع» که گرد هم‌آیی افراد به شکل طبیعی باشد و «رده» که افراد در برخی از ویژگی‌ها مشترک باشند؛ تطبیق نمی‌شوند. در شناخت گونه شناسی گروه اجتماعی با ویژگی‌های که دارند، زمینه شناسایی جایگاه خود در جامعه را فراهم می‌سازد. بیشتر عمر انسان‌ها در گروه سپری می‌شود، عضویت در گروه اجتماعی، چگونگی زندگی در جامعه جهت می‌بخشد. الگو گیری از گروه اجتماعی، تأثیرگذار در سرنوشت انسان است. برای انسان‌ها لازم است که تحقیق نمایند از گروه که می‌خواهد با عضویت در آن

سعادتمندی‌شان را شناسایی و مطابق با آن عمل نمایند تا خوشبختی دنیا و آخرت را داشته باشند.

منابع

۱. آرون، ریمون؛ **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**؛ ترجمه: باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمّد؛ **مقدمه ابن خلدون**؛ ترجمه: محمّد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

۳. بیرو، آلن، ***فرهنگ علوم اجتماعی***، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰. چاپ چهارم ۳-

۴. سرمد، زهره و دیگران؛ **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**؛ تهران، آگاه، چاپ دوازدهم ۱۳۸۵.۴-

۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی‌فقیه. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، **معارف قرآن، ۶ جلد**، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی‌فقیه، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی - ایران - تهران، چاپ: ۴، ۱۳۸۷ ه.ش.

۶.طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ۲۰ جلد، جلد اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.

۷. طالقانی، محمود؛ **پرتوی از قرآن**؛ تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم ۱۳۶۲،۷-

۸. صداقتی فرد، مجتبی؛ **جامعه‌شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)**؛ تهران،

نشر ارسباران، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۹۱.

۹. کوئن، بروس؛ **درآمدی به جامعه‌شناسی**؛ ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، چاپ بیست و سوم،۱۳۳.

۱۰. کوئن، بروس؛ **مبانی جامعه‌شناسی**؛ غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۴.

۱۱. گیدنز، آنتونی؛ **جامعه‌شناسی**؛ ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵

۱۲. گورویچ، ژرژ؛ **تاریخ مختصر جامعه‌شناسی**؛ ترجمه: باقر پرهام، تهران، کتاب‌های سیمرغ، چاپ چهارم، ۱۳۵۶.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، **برگزیده تفسیر نمونه**، ۵ جلد، جلد اول دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۳، ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۴. مصباح، محمدتقی؛ ***جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن***؛ تهران، سازمان تبلیغات اسلامی– شرکت چاپ و نشر بین‌الملل – چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۱۵. مرادخانی تهرانی، احمد؛ **سنت‌های اجتماعی در قرآن**؛ قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۶. میشل پانوف و میشل پرن؛ **فرهنگ مردم‌شناسی**؛ ترجمه: اصغر عسکری خانقاه، تهران، نشر ویس، ۱۳۶۸.